

نوشته و تنظیم از: دکتر بلوهر

سناریو

یا

داستان فیلم

انتقال تصویر و گذشت‌های زمانی

رتال جامع علوم انسانی

FONDU - یکی از تکنیک‌های ظریف سینما تکنیک انتقال تصویرها و ایجاد اثرات روانی و تلقین گذشت‌های زمانی است بطور کلی در تقسیم‌بندی داستان يك فیلم به سکانس‌ها و صحنه‌ها و ایجاد روابط منطقی و طبیعی بین آنها به منظور حفظ تداوم صادقانه و قابل قبول ریتم حوادث موضوع دو تکنیک مختلف وجود دارد که یکی برقراری ارتباط بین صحنه‌ها بوسیله برشهای سریع که آنرا کات می‌نامند و دیگری يك نوع خاصی از ایجاد رابطه و اتصال صحنه‌های مختلف بیکدیگر می‌باشد که به منظور تداوم آلیستی داستان و پرهیز از طولانی شدن بی‌مورد و یا حذف برخی صحنه‌ها که ارزش فیلم‌برداری را ندارند بکاربرده میشود.

از نقطه نظر مونتاز تکنیک وصل و ربط سریع صحنه‌ها و پلانها را برش یا کات می‌نامند که در حقیقت تغییر آنی يك تصویر یا پلان بیک تصویر یا پلان دیگر می‌باشد و باید یادآور شد

که مجموع کات‌های مختلف اساس مونتاژ يك فيلم را تشکیل می‌دهند. تغییر و انتقال صحنه‌ها و ایجاد گذشت‌های زمانی در اصل يك نوع حرکت اوبتیک و یا تصویری می‌باشد که با استفاده از هماهنگی قوانین نور و تصویر در حین فیلم‌برداری و یا در لابوراتوار وجود می‌آورند که بهترین فرم و شکل آن را در اصطلاح سینما توگرافی فونددو FONDU می‌نامند. در اصل چهار نوع فونددو داریم:

۱- فونددو ساده

۲- فونددو باز

۳- فونددو بسته

۴- فونددو کروازه

فونددو ساده = بطور ساده تاریک شدن، تدریجی پلان و صحنه می‌باشد.
فونددو باز = انتقال تدریجی و آرام يك تصویر از تاریکی به روشنایی است یعنی در این طریقه تصویر و یا پلان بخصوصی بتدریج ظاهر و آشکار می‌گردد که آنرا می‌توان به باز شدن تدریجی پرده سن تا اثر شبیه نمود.

فونددو بسته = در این طریق کاملاً برعکس فونددو بار عمل می‌شود یعنی در اینجا عبور و انتقال تدریجی و آرام يك تصویر از روشنایی به تاریکی است و عبارت دیگر يك تصویر روشن و آشکار به تدریج تاریک شده و بالاخره محو می‌شود که این را نیز می‌توان به بسته شدن تدریجی و آرام پرده تا اثر شبیه نمود.

بر حسب تم و منظوره‌های خاص داستان فونددوها طولانی، کوتاه و یا سریع خواهند بود و بطور کلی چگونگی آنها به احتیاجات ریتمیک حوادث مکانها و صحنه‌ها بستگی دارد معمولاً فونددو باز در آغاز فیلم و فونددو بسته در پایان فیلم مورد استفاده قرار می‌گیرد.
فونددو کروازه = يك نوع تکنیک ایجاد گذشت‌های زمانی و انتقال از يك پلان دیگر است که معمولاً در وسط فیلم و یا در بین صحنه‌های مختلف حوادث داستان مورد استفاده می‌باشد.

دیزالو = يك نوع فونددو و تکنیک اوبتیک خاصی است که يك صحنه یا پلان در میان تصویر دیگری بتدریج محو شده و از بین می‌رود. دیزالو در اصل تغییرات وسیع زمانی و مکانی را می‌تواند تجسم و القاء نماید.

گذشت متحرك = در این تکنیک دید و ذهن تماشاگر را با حرکت سریعی از يك شیئی یا تصویر بيك شیئی یا تصویر دیگر متوجه می‌کنیم که معمولاً بمنظور یادآوری و ایجاد يك نوع رابطه در ذهن تماشاگر مورد استفاده قرار می‌گیرد. گذشت و انتقال متحرك معمولاً در حین فیلم‌برداری و بوسیله دوربین انجام می‌گیرد.

انتخاب موضوع در نوشتن سناریو

سینما در حقیقت يك نوع بازی است که افکار و تخیلات و ابتکارات مختلف را بکامک

تکنیک‌های خاصی بنمایش درمی‌آورد، به تعبیری دیگر يك نوع میزانسن سینه فوتو است. کلیه فیلم‌ها بدون استثناء دارای موضوع و تم داستانی می‌باشند و باید گفت که اولین قدم موفقیت يك فیلم موضوع داستان آنست، بنابراین قبل از اینکه اقدام به تهیه فیلم شود باید موضوع داستان آنرا انتخاب نمود.

در نوشتن داستان و سناریوی فیلم‌های جدی باید از موضوعها و حوادثی استفاده نمود که انسان بتواند آنرا باور کند یعنی باید واقعیت زندگی و روابط و خصوصیات حوادث آنرا کاملاً در نظر داشت.

اغلب می‌بینیم که سناریست‌ها و تهیه‌کنندگان فیلم‌های ایرانی دست‌بختیل و یا اقتباس موضوع حوادثی می‌زنند که بهیچوجه با شرایط و خصوصیات زندگی اجتماعی و منطقه‌ای ما وفق نمی‌دهد و باید یادآور شویم که مایه اصلی این شکل فیلمسازی و داستان نویسی از تأثیرات خیال‌پردازیهای فیلم‌سازان تجاری آمریکائی و اروپائی در زمینه‌های عدم آگاهی و بیدانسی این قبیل نویسندگان و فیلمسازان و احیاناً از سلیقه‌ها و ابتکارات انحرافی آنها ناشی می‌شود.

سینما يك نوع سازندگی بزرگ‌گیت که اصالت و ارزش واقعی آن همواره بر پایه استقلال فکری نویسنده سناریو در انتخاب اصل و بکر موضوع داستان و کیفیت کاربرد ابتکاری تکنیک‌های مختلف از طرف کلیه همکاران تهیه فیلم در اجرای نمایشی آن استحکام می‌پذیرد. بعنوان مثال انتخاب و اجرای عجیب و غریب داستانهای پلیسی و جنایی و جاسوسی بسبک آمریکائی را با تمام خصوصیات و حوادث مربوطه در تهران آنهم با هنرپیشه‌های ایرانی و اسمها و لباسها و محیط بازی ایرانی رامیتوان ذکر نمود که در همان نظر اول بیگانگی موضوع و داستان و مصنوعی بودن تیپ‌ها و پرسوناژها و حوادث فیلم نسبت به محیط زندگی و شرایط منطقه‌ای ما از میان انبوه ناشی‌گریها و دروغ‌پردازی‌ها و وصله‌بینی‌های ناجور و غیر واقع بچشم می‌خورد. باید توجه نمود که داستان سناریوی هر فیلم يك نقطه اتکای بسیار مهمی دارد که مایه اصلی و سنگ بنای اولیه آنرا تشکیل میدهد و آن تم و موضوع ابدائی آن می‌باشد. يك سناریوی خوب و با ارزش فقط می‌تواند از يك موضوع بکر و قوی با ارزش بوجود آید.

باید موضوعی را انتخاب نمود که از نظر جنبه‌های سینماتوگرافیک و دراماتیک مناسب و قابل قبول بوده و با واقعیت‌های زندگی و آکسیونهای منطقی که ذهن و عقل انسان میتواند آنرا به‌پذیرد تطبیق داشته و فاقد تظاهر و احیاناً خودستائیهایی با اصطلاح روشنفکرانه باشد.

پس از انتخاب موضوع و نوشتن داستان بلافاصله مسئله میزان پاژ و یا تنظیم استخوان‌بندی آن در روی کاغذ پیش می‌آید که در این مرحله شکل و فرم و چگونگی روابط آکسیونها و حوادث و صحنه‌ها که فاصله بین آغاز و انجام داستان را پر می‌کند و در حقیقت شکل اجرائی داستان و موضوع خواهد بود بررسی و پیش‌بینی می‌گردد. در تنظیم استخوان‌بندی آکسیونها و حوادث يك داستان که قرار است بفیلم تبدیل گردد عوامل مختلفی شرکت میکنند که در انتخاب و ترتیب روابط منطقی و صادقانه بین آنها نهایت دقت و توجه را باید بکاربرد.

این عوامل عبارتند از: حادثه اصلی داستان، حوادث و اتفاقات کمکی، قهرمانان، دیالوگ‌ها و افکت‌ها و غیره که انتخاب نادرست و بیمورد آنها تنظیم استخوان بندی صحیح آکسیونهای يك موضوع و داستان را غیر ممکن خواهد ساخت. استخوان بندی آکسیونهای داستان يك فیلم وقتی میتواند خوب ساخته و پرداخته شود که حوادث صحنه‌ها و ردیف بندی و توازن منطقی سکانسها و تعیین صحیح و دقیق زمان و مکان‌ها و انتخاب و استقرار بمورد و بجای قهرمانها و جمله بندی و تنظیم دیالوگ‌ها و ریتم تداومی آکسیونها و مسیر رآلستیک داستان قبلاً بررسی و مطالعه شوند فیلمسازان کشورهای بزرگ با انتخاب موضوع و سوژه داستان اهمیت بسیار میدهند بطوریکه نویسندگان و سناریست‌هایی می‌توان مشاهده نمود که با دستمزدهای قابل توجهی منحصرأ برای برخی استودیوها را کار میکنند. باید یادآور شوم که در این قبیل استودیوها معمولاً سناریست موضوع و سناریست دیالوگ کارشان از هم جدا است. همه میدانیم که بسیاری از موضوع‌ها و حوادث زندگی بارها و بکرات در دنیای سینما با فرم و قالب‌های مختلف مورد استفاده قرار گرفته‌اند بنابراین موضوعی را که يك سناریست میخواهد انتخاب کند وقتی دارای ارزش بوده و جالب خواهد بود که تازه‌گیها و ویژه‌گیهای خاصی را تجسم نموده و با اصطلاح فیلمسازان اوریژنیال و ابتکاری باشد. موضوع انتخابی بموضوع دیگری شبیه نبوده و شکل داستانی و سناریوئی آن باید دارای آکسیونهایی در قالب فیلم و سینما باشد بعبارت دیگر موضوعی مناسب سینما خواهد بود که وقتی بنخواهند آنرا بشکل داستان و سناریو در آورند جنبش و تحرك صحنه‌ها و پلانها پر گفتار و سخن پردازیه‌ها که از خصوصیات تأثر مییابد برتری داشته باشد.

موضوع‌های انتخابی جهت سینما از يك دید کلی بر دو قسمت تقسیم میشوند:

موضوع‌هایی با اشخاص یا پرسوناژ کمتر و موضوع‌هایی که دارای اشخاص و پرسوناژ زیادتر میباشد یعنی در حقیقت اجرای نمایشی مجموعه يك موضوع و داستان بین قهرمانان با پرسوناژهای کمتر و یا بیشتر تقسیم میگردند در موضوع‌هایی که پرسوناژ کمتری دارند قدرت و زیبایی میزانشها رول بسیار بزرگی داشته و گیرائی و توانائی آکسیونها تابع قدرت و تنوع و تسلسل حوادث آن خواهد بود ولی در عین حال این قبیل فیلم‌های کم‌هنریشه از نظر اقتصادی متضمن مخارج کمتری بوده و نسبت بموضوع‌هایی که احتیاج بپرسوناژ و اشخاص بیشتری دارند با صرفه‌تر میباشد.

موضوع‌های انتخابی داستان فیلم از حوادث زندگی و اتفاقات تاریخی و آثاریکه از نظر ادبی دارای ارزش‌های خاص هستند و از نمایشنامه‌های تأثیری و بالاخره از نیروی تخیل و داستانپردازی ابتکاری يك سناریست‌مایه میگیرند.

بس از انتخاب موضوع کلیه اطراف و جوانب آن تا مرحله‌ای که بشکل سناریو در خواهد آمد دقیقاً بررسی و با پیشرفت و تکامل قدم بقدم داستان آن نوشتن سناریو آغاز میگردد. میدانیم که هر موضوعی يك آغاز و يك پایان دارد که اهمیت القاء و ایجاد تأثر هر کدام از آنها در دید و ذهن تماشاگر قابل توجه میباشد. آغاز سست و تصادفی يك داستان سینمایی بهیچوجه

برای تماشاگر جالب نبوده و از همان آغاز کار امپرسیون یا القاء نا مساعدی نسبت به فیلم در ذهن او ایجاد خواهد نمود از اینجهت بهتر است پس از يك آغاز قوی و خوب بلافاصله بوقایع و حوادث داستان فیلم پرداخت . شروع فیلم باید در دید و چشم بیننده بمانند يك شوک رعد و برق تأثیری عمیق و کوبنده ایجاد نماید زیرا سینما قبل از هر چیز سمبل بی چون و چرای هیجان و تخیل و تحرك میباشد که باید بکمک تصویرها و آکسیونها و رنك و موزیک و نور و غیره حاکمیت خود را بر ذهن و احساس تماشاگر برقرار و مسلم سازد .

از آغاز داستان تا پایان آن مسیر آکسیونها و حوادث و تسلسل و هماهنگی ریتم و تم رآلیستی آن باید بدون کوچکترین وقفه و سستی پیشروی نماید و شکل و چگونگی حوادث نباید مصنوعی و قراردادی و قابل پیش بینی باشد و هر قدر که پایان موضوع و داستان نزدیکتر میشود باید شدت اثرات ذهنی و روانی آن اوج گرفته و با تشدید توجه و علاقه و هیجان تماشاگر و در لحظه ای که تقریباً انتظارش را ندارد داستان را خاتمه داد . اگر دو سکانس پشت سر هم از نظر شدت و قدرت ایجاد تأثیر و هیجان با هم برابر باشند تماشاگر راقانع نمیکند بلکه او را در مرزی از لحظات اضطراب و انتظاری گنگ سرگردان میسازد که در این مرحله سناریست باید بهترین آنچه را که تماشاگر در تصورات خود دنبالش میکرد باو داده و سعی نماید او را در لحظات حساس تأثیر و تخیل که آکسیونها و حوادث قبلی داستان برایش پیش آورده مات کند و این همان چیزی است که هر سناریست و کارگردان با تجربه ای در آرزوی دست یافتنش میباشد .

تقسیم بندی دقیق حوادث و اتفاقات يك داستان بسکانسها و تعیین تعداد و شکل و فرم و بطور کلی میزانسن و محیط بازی صحنه های هر يك از سکانسها مهمترین اقدام قبلی يك سناریست در تنظیم اسکلت و استخوان بندی سناریو خواهد .

حوادث و ریتم هر سکانس طوری تنظیم میگردد که به همراه ایجاد حالت انتظار و احساس نیاز به سکانس بعدی تمایل و کنجکاوی تماشاگر را تشدید نماید و باید توجه نمود که تداوم و سیر طبیعی داستان با برقراری بهترین و زیباترین فرم اتصال بین سکانسها و صحنه ها جان بگیرد . بنا بر این وظیفه سناریست است که با پیش بینی قبلی کمیت و کیفیت کلیه سکانسها و صحنه ها کمپوزیسیون قطعی داستان اجرائی فیلم را بنحوشایسته ای برای فیلم برداری آماده سازد . در شماره آینده جنبه های روانی و تجاری يك سناریو مورد بحث قرار خواهد گرفت .